

هشدار به خلق های ایران  
پیرامون وضعیت  
بحرانی پیرانشهر

معروف است. هم اکنون گروهی از آبادی قیاده موقت به سرپرستی ملاطه احمد در گزکسک حضور دارند و پسران شیخ تماشای مکرری با ادریس بارزانی دارند. در همین حال میان یکی از پسران شیخ با فرمانده لشکر و نیز با ملاحظاتی تماشای مداوم بنظر ایجاد زاندارمری برقرار است. افراد قیاده موقت و افراد مسلح ملاحظاتی در اطراف منزل شیخ گزکسک نگهبانی می دهند. چند روز پیش که قرار بود تظاهراتی بنظر اعتراض به فطنامه سنای امریکا در پیرانشهر برگزار شود، پسران شیخ گفته بودند که هر نوع تظاهرات را به قیاده موقت تبدیل خواهیم کرد.

اکنون مردم در مقابل گزکسک قاطعانه موضع گرفته اند و لذا هرگونه حمایت مستقیم و غیرمستقیم دولت از وی و یا هرگونه تماس بین نمایندگان دولت با شیخ و پسرانش، سوق دادن اوضاع به یک درگیری مستقیم بین مردم و این دارودسته مرتجع و ضد خلقی بحساب می آید.

۲- نظامیان و دارودسته به اصطلاح پاسدار مستر در یاد آن جدیدین اربانی - روستاییان به حمله مسلحانه، قتل و جرح و غارت مسافری و دهقانان اطراف پادگان دست می زنند. همین چندی پیش شاهد حمله دامنه دار افراد این پادگان، با کمک تانک و خمپاره انداز، به روستای توان بودیم. اکنون حملات و تجاوزات افراد پادگان شدت بیشتری یافته، بطوری که گاهی تا دروازه های شهر نیز پیش می آیند. بنظر می رسد افراد پادگان عمداً می خواهند مردم را جری کرده و به مقابله مسلحانه بقیه در صفحه ۲

می شود. بعد از واقعه نطقه که اکثریت مردم پیرانشهر بخاطر وحشت از پیش آمدن فاجعه ای مثل نطقه، شهر را برای مدتی ترک کردند، هیأت حاکمه موقعیت را برای استقرار پلیس و زاندارمری مساعدت تشخیص داده و استاندار آذربایجان غربی را به همین منظور به پیرانشهر می فرستد. استاندار نخست به گزکسک، سپس شیخ رفته و بعد از آن موضوع استقرار زاندارمری را اعلام می کند. این تصمیم مورد مخالفت شدید مردم قرار گرفت که با تظاهرات وسیعی تفر خود را از این تصمیم دولت اعلام نمودند. ولی موضوع زاندارمری بعد بنحو دیگری عنوان شد، به این صورت که بعد از مذاکره با نمایندگان شورای شهر مهاباد و شورای شهر پیرانشهر اعلام شد که یک نیروی انتظامی متشکل از افراد بومی تشکیل خواهد شد. در پی آن آیت الله ربانی شیرازی نماینده اعزامی از قم وارد منطقه شده، ایسان نیز به گزکسک می رود و در آنجا توافقنامه ای به امضای آیت الله ربانی، شیخ گزکسک، سرپرست اعزامی زاندارمری پیرانشهر، فرمانده تیپ محل امضاء می شود که بر طبق آن ایجاد زاندارمری بلامانع و لازم تشخیص داده می شود. مردم باز عکس العمل شدیدی در مقابل این توافقنامه نشان می دهند. ولی با وجود مخالفت و عکس العمل مردم، فرمانده لشکر به فرمانده تیپ دستور می دهد که افراد بومی را برای زاندارمری استخدام کنند و در تشخیص صلاحیت آن ها به نظرات دو نفر تکیه شود که یکی از آن ها سرسیخ گزکسک و دیگری معلمی بنام علی خدائی می باشد که از عمال رژیم سابق بوده و در ساهدوستی

خلق های مبارز ایران! در حالی که به دنبال فاجعه های جبران ناپذیر سنجند، گنبد، و نطقه، هم اکنون شاهد فاجعه درد آور دیگری از همین دست در خرمسهر هستیم. وقایعی در پیرانشهر می گذرد که این شهر و منطقه را آستان حوادث مشابهی گردانیده است. ما ضمن تشریح وضعیت حاکم بر این شهر و منطقه، در عین این که از هم میهنان آگاه و مبارز خود می خواهیم تمام تلاش خود را در جهت جلوگیری از بروز فاجعه در این شهر بکار گیرند، به دولت و هیأت حاکمه کشور هشدار می دهیم که هرگونه تأیید و یا ادامه حمایت از مرتجعین ضد خلق محلی، هرگونه سکوت و برخورد تأیید آمیز در مقابل جولان قیاده موقتی ها در منطقه و تجاوز فتودال ها به دهقانان، هرگونه بی توجهی به خواست ها و نظرات مردم در مورد استقرار نیروی انتظامی مورد تأیید مردم در منطقه، وسعی در تحمیل پلیس و زاندارمری ضد خلقی به مردم، هرگونه عدم توجه به تجاوزات و جنایات افراد مستقیم، پادگان جلدان، در حق مردم به فاجعه ای منتهی خواهد شد که مسئولیت آن مستقیماً متوجه دولت و هیأت حاکمه خواهد بود. و اینک وضعیت شهر:

۱- سید طه کمالی زاده (شیخ گزکسک) که از ابیادی سابق رژیم منصور پهلوی، همدست فتودال ها، قیاده موقت، و مرتجع ترین عنصر روحانی منطقه می باشد، همراه با دارودسته خود بزرگترین عامل بحران در منطقه می باشد. این شخص در حالی که مورد نفرت و انزجار مردم می باشد، از سوی دولت و هیأت حاکمه پشتیبانی

## در برخورد میان دهقانان و اربابان:

## دولت جانب اربابان را گرفته است

نمودند که اگر قانون را! (یعنی قانونی که در زمان آریامهر به آن ها تحمیل شده) مراعات نکنند به وسیله نیروهای نظامی سرکوب خواهند شد. ولی روستائیان با اتکاء به همبستگی و نیروی خود اعلام کردند که از این زمین ها و محصولاتشان قاطعانه در مقابل مالکان و زمینداران بزرگ دفاع خواهند کرد. ما هشدار می دهیم که خطر وجود آمدن «گنبدی دیگر» در این منطقه هر روز نزدیک و نزدیک تر می شود. دولت و کمیته ها این بار نیز جانب اربابان را گرفته و علیه دهقانان و حادرنشینان زحمتکش این روستاها بسیج شده اند. ما اعلام می داریم که مسئولیت هرگونه درگیری و خونریزی در منطقه مستقیماً متوجه دولت و عواملش خواهد بود.

ما بدین وسیله از تمام نیروهای خلقی می خواهیم که از حق قانونی روستائیان و ایل باوه جانی حمایت نمایند.

نابود باد اتحاد توطئه گران و زمینداران بزرگ

پیروزیاد مبارزه دهقانان ایل باوه جانی روستائیان ظلم، گایانه خور، چقا کچکینه و زردآوا

قانوناً!!!! از آن مالکین می داند، تنها به این دلیل که «سند مالکیت» بنام آن ها می باشد.

هم میهنان مبارز!

خلق های فرمان ما بعد از دادن صد ها هزار شهید و مجروح، اینک چشمشان به جمال دادگاه ها و کمیسیون های بیخ نفرتی روشن شده که از ملاکین غارتگر حمایت نموده و دهقانان ستمکش را متجاوز قلمداد می کنند. دهقانان زحمتکش بهتر می دانند که، متجاوز کسی است که کار نمی کند مفت می خورد و می خوابد. متجاوز مالکین و زمینداران بزرگ هستند که با رژیم سرسره پهلوی همکاری نموده و حقوق دهقانان زحمتکش را پایمال کرده اند. دهقانان بهترین می دانند که متجاوز نیستند زیرا که کار می کنند و رنج می برند و اکنون زمینی را که حق مسلم آن ها می باشد باز پس گرفته اند و از آن دفاع می کنند.

این روستائیان و چادرنشینان زحمتکش تاکنون چندین بار توسط کمیته ها و زاندارمری تهدید شده اند. آن ها در تاریخ ۵۸/۴/۳ برای احقاق حق خود دسته جمعی به استانداری کرمانسرا مراجعه نموده و تقاضای رسیدگی کردند. در آنجا نه تنها به شکایاتشان رسیدگی نشد، بلکه آنان را تهدید

روستائیان و چادرنشینان محروم و زحمتکش ایل باوه جانی، و روستاهای ظلم، زردآوا، چقا کچکینه، گایانه خور ساکن دست کردند سال های سال است که توسط اربابان همجون امیر احتشامی و پسرش حسن خان احتشامی، بیژن خان، عبدالله خان، و مرتضی خان ملک نیازی و..... حاصل رنج و زحمتشان به غارت می رود. در جریان مبارزات پرشکوه خلق های فرمان میهنان این روستائیان و چادرنشینان ستمدیده زمین هائی را که مالکین خون آشام فو در زمان اصلاحات ارضی دروغین شاه باز دو بند و همکاری سرکوبگر زاندارمری آریامهری غصب نموده بودند، باز پس گرفتند. این زحمتکش با این خیال که قیام خلق های میهنان، به پیروزی کامل رسیده و دولتی انقلابی و حافظ منافع کارگران و دهقانان قدرت را به دست گرفته این زمین ها را کشت نمودند. اکنون که فصل برداشت محصول فرا رسیده، دستگاه های قضائی دولت احکامی صادر نمودند که روی بیدادگاه های آریامهری را سفید کرده است. در زمانی که دولت ادعا می کند که انقلابی و حافظ منافع «مستضعفین» می باشد دادگاه ها و کمیسیون های بیخ نرفه اش، زمین را

عناصر ارتجاعی  
دست اندر کار  
توطئه ای دیگرند

اتهامات و پیش کشیدن حیل های رنگارنگ، هر روز توطئه جدیدی را تدارک می بینند. امروز تمام این توطئه ها را متوجه کردستان کرده اند. روزی نیست که خبری از تجاوز های بیشرمانه فتودال ها و دارودسته «قیاده موقت» به گوش نرسد. امروز از پاوه، مریوان، بسطام، پیرانشهر و فردا از جاهای دیگر. آیا همه این اقدامات تصادفی است؟

مطمئناً نه. دولت و تمام حامیانش سعی در خلع سلاح خلق های رزمنده و تحویل این سلاح ها به مرتجعین محلی دارند. امروز دستان کثیف مشغول بوجود آوردن آن چنان وضعیتی هستند که به اصطلاح پاسداران کمیته ها، زاندارمری این دشمن دیرینه زحمتکشان ارتش این عمده ترین تکیه گاه امپریالیسم و ارتجاع داخلی که به سرعت بازسازی می شود، انواع سلاح های مدرن آمریکائی را در سرکوب خلق کرد به نمایش بگذارند. ولی زحمتکشان شهر و روستا با هوشیاری تمام، این توطئه ها را خنثی خواهند کرد. مقاومتیکه روستائیان ستمدیده در مقابل ماجراجویی های فتودال ها می کنند، دقیقاً به همین خاطر است و موارد زیادی بوده که این توطئه ها در مقابل اتحاد روستائیان زحمتکش در نطفه خفه شده است. بار دیگر به دولت هشدار می دهیم که پیش از این به تقویت مرتجعین محلی نپردازد، و بداند که در مقابل خلقی یکپارچه و مصمم برای بازپس گرفتن حقوق طبیعی خود، همه نیرونگ ها، بی رنگ خواهد شد. خلق هائی که بساط رژیم خودکامه آریامهری را با اراده پولادین خود درهم کوبیدند، قطعاً توانائی مقاومت در برابر این توطئه ها را هم خواهند داشت.

خلق مبارز گزدا این توطئه ها، دسیسه چینی ها و نفاق افکنی ها، فقط و فقط برای مسلط کردن دوباره ارتجاع بر سرنوشت زحمتکشان کرد است. ولی تاریخ ثابت کرده است که هوشیاری و یکپارچگی خلق ها بهترین سلاح برای مقابله با توطئه گران است. با هر چه بیشتر فشرده کردن صفوف مبارزاتی خود، با هوشیاری تمام و برخورد های قاطع و انقلابی، تمام این توطئه ها را خنثی کنیم.

«ناپود باد توطئه های ارتجاع بر علیه خلق ستمدیده کرده»

«هر چه مستحکم تر باد پیوند زحمتکشان شهر و روستا»

«پیروزیاد مبارزات حق طلبانه خلق های ستمدیده ایران»

خلق مبارز گزدا اینک توطئه دیگری در کردستان در شرف تکوین است. آنچه که از مدت ها پیش انتظارش می رفت، امروز در حال اجراء است. و شاید حوادث پیرانشهر سرآغاز حوادث دیگری باشد. خبر های موثقی که در دست است، از پیوندهای نامیوم مرتجعین و کرد فروشانی نظیر شیخ گزکسک «قیاده موقت» و فتودال ها از یک سو و ملاحظاتی این روحانی نما و قاتل مردم مبارز نطقه و سردمداران ارتش به اصطلاح اسلامی و ملی از سوی دیگر، حکایت می کند. ما در طی اعلامیه ها و خبرنامه های قبلی خود از ماهیت این دشمنان کثیف مردم پرده برداشته، نیازی به تکرارش نمی بینیم. ولی یک مسأله را با تأکید فراوان مطرح می کنیم.

امروزه، کردستان به بحرانی ترین کانون میهن ما تبدیل شده است. امرای ارتش طی تماس های بی دریغی با مرتجعین محلی و پخش انواع سلاح ها بین آنان، سعی می کنند جبهه متحدی از مرتجعین محلی در مقابل زحمتکشان کرد ایجاد کنند. آمدن تیمسار فرید رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی به ارومیه و پیرانشهر و ملاقاتش با عناصر ارتجاعی و پخش صدها قبضه سلاح بین فتودال ها و دارودسته «قیاده موقت» این سرسپردگان امپریالیسم آمریکا توسط ملاحظاتی بی ارتباط با همدیگر نیستند. همین چند روز پیش (۵۸/۴/۲) ما سندی از صدها سند خیانت شیخ گزکسک را در خبرنامه شماره ۲۱ چاپ کردیم سندی که مثل هزاران سند دیگر نشان دهنده حمایت بی چون و چرای دولت به اصطلاح انقلابی وقت از دشمنان خلق کرد است.

این حرکات ارتجاعی و این توطئه ها بخاطر چیست؟ بنظر ما این اعمال ضد خلقی برای بی جواب گذاشتن آن خواست های اساسی زحمتکشان کرد است که برای دستیابی به آن بارها مبارزه کرده و صدها تن از بهترین جوانانش را قربانی داده است. خلق ستمدیده کرد مثل دیگر خلق های ایران در فردای انقلاب، (انقلابی که تا تمام مانده) انتظار عملی شدن خواست های خود را داشت. ولی پاسخ تمامی این انتظارات با سیاست های ارتجاعی هیأت حاکمه فعلی جواب داده شد. پراستی هم، از دولتی که نماینده زحمتکشان نیست، انتظاری غیر از این نمی توان داشت. دولتی که جواب فریادهای حق طلبانه خلق ها را با مانور هواپیماهای جنگی و تسلیح فتودال ها پاسخ می گوید.

دشمنان قسم خورده خلق ها با توسل به انواع

حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی

# قسمتی از تجربیات کارگران کوره آجرپزی پاشائی

ما کارگران کوره پاشائی هرکدام از جانی آمده ایم و اول همدیگر را خوب نمی شناختیم ولی رفته رفته در اثر کار مشترک و رنج هایی که در اثر کار سخت کشیدیم فهمیدیم که کارگران از هر کجا آمده باشند و با هر کس کار کنند هیچ فرقی با هم ندارند آن ها همه زحمتکش و رنجبرند و سرمایه دار خون همه آن ها را هم مثل زالو می مکند. ما فهمیده ایم که سرمایه دار برای اینکه دسترنج ما را هر چه بیشتر غارت بکند همیشه می خواهد از راه های مختلف بین ما کارگران جدائی بیندازد. برای اینکه سرمایه دار خودش مستقیماً با ما در گیر نشود سعی می کند از وجود سرکارگرهای خود فروخته بر علیه ما استفاده کند. سرکارگر طرفدار سرمایه دار است او می خواهد ما را فریب دهد و از هر راهی شده می خواهد خودش را طرفدار ما نشان دهد ولی وقتی خواست های خود را می گوئیم فوری از سرمایه دار دفاع می کند. ما چون اول سرکارگر را نمی شناختیم او را دوست داشتیم ولی بعد فهمیدیم که اشتباه می کردیم او بما خیانت کرد. همانطور که می دانید سر در عدم توره های آجرپزی خیلی سخت است ولی مزد کم می دهند. ما می خواستیم مزدمان زیاد شود ولی هر وقت اعتراض می کردیم می گفتند در کوره های دیگر هر قدر مزد بدهند ما از آن هم زیادتر خواهیم داد.

ولی ما می دانستیم که صاحب کوره ها با هم جمع می شوند و قیمت مساوی برای کارگرها می گذارند و مطمئن هستند که هیچ کوره ای خود بخود مزد کارگر را افزایش نخواهد داد ببینید سرمایه دارها چقدر برای مکیدن خون ما با هم یکی هستند پس چرا ما متحد نباشیم؟ ما اول راضی بودیم که مزد ما ۵۸ تومان بشود ولی او مخالفت کرد. کم کم با هم متحد شدیم از همدیگر پشتیبانی کردیم ما به این فکر افتادیم که چکار بکنیم که یکپارچه از حق خود دفاع کنیم بالاخره بعد از صحبت های زیاد به این نتیجه رسیدیم که برای این که بهتر و یکپارچه تر بتوانیم در مقابل سرمایه دار با ایستیم باید نماینده های واقعی خود را انتخاب بکنیم و حرف های خود را از طریق شورای خود هر چه رساتر و بلندتر به کارفرما بگوئیم و بنابراین ما شورای خود را انتخاب کرده نزد صاحب کوره فرستادیم تمام ما واقعاً از شورائی که خود انتخاب کرده بودیم پشتیبانی کردیم. اعتصاب کرده و در روز کار را خوابانیدیم آجرها تمام شد و صاحب کوره مجبور گردید مزد ما را ۶۰ تومان بکند. ما فهمیدیم که اینطوری باید حق خود را بگیریم.

صاحب کوره می گفت شما را تحریک می کنند و الا شما این چیزها را نمی دانید. ببینید سرمایه دارها چه فکری درباره ما می کنند چقدر به کارگرانی که روز تا شب عرق می ریزند توهین می کنند. نه کسی ما را تحریک نکرده ما خودمان شعور داریم تا کی باید خاموش باشیم و حق ما را بخورند ما با اتحاد خود جواب دندان شکنی به این توهین بی شرمانه دادیم. چون با هم بودیم توانستیم به خواست های خود برسیم. یادتان می آید وقتی که با هم متحد نبودیم هیچ کاری نمی توانستیم بکنیم. یکی می گفت مزد کم است کارفرما می گفت تسویه

حساب کن. یکی می گفت وسیله ام شکسته چیز خرابی به اومی داد یا اصلاً جوابش را نمی داد ولی وقتی متحد شدیم و از هم پشتیبانی کردیم توانستیم به حق خود برسیم. تمام کارگران از همدیگر پشتیبانی کردند. چرخ کش ها - کوره چین ها. - آن ها هم مثل ما صبح تا شب زحمت می کشند باید اینطور باشد کارگر باید پشتیبان کارگر باشد چون تمام کارگران دردشان یکی است و همیشه از طرف سرمایه دار ظلم می بینند.

یکی از حیل های سرمایه دار این است که به بعضی از ماها می گوید تو صدا نکن و کاری به دیگر کارگرها نداشته باش مزد تو را زیاد می کنم و می خواهد این طور صف متحد ما را درهم شکند چون خوب می داند و خیلی بهتر هم می داند که اگر تمام ما کارگرها با هم باشیم زودتر به خواست های خود می رسیم. ما چطور می توانیم تن به این خیانت بدهیم. وجدان کدام کارگر راضی می شود که کارگر دیگر صبح تا شب پایبای زن و بچه های خود عرق بریزد و جان بکند ولی حق او را بخورند و بما بگویند به شما مزد زیاد می دهیم کاری بکار دیگر کارگرها نداشته پاشید کدام کارگر می تواند خاموش باشد و به دوست کارگر خود خیانت کند؟ کارفرما با آن همه ترورت ۱۵ ریال حق کرایه نفت از ما می گیرد به بهانه های مختلف سعی می کند حتی تا آخرین دینار از مزد ما کم کند. هزاری ۲۰ عدد آجر برای افت از ما کم می کند وقتی می خواهد آجرهای باران زده را از ما تحویل بگیرد با بی شرمی می گوید ۲۰۰ تا ۳۰۰ یا حتی گاهی هزار آجر را باید بمن ببخشید ولی خودش حاضر نیست دستمزد ما را حتی ۲ ریال افزایش دهد.

بما می گویند چریک های فدائی تحریکشان می کنند ما با کسی هستیم که از ما پشتیبانی کند. اگر راست می گوئید حق ما را بدهید. کسی ما را تحریک نمی کند ما خودمان انسانیم سرمایه دار همیشه بما فشار می آورد برای همین است که برای گرفتن حق خود راهی جز اعتصاب نداریم.

تمام کارهای کوره را ما می کنیم اگر ما کار نکنیم آیا آن ها می توانند جیب گشادشان را پر کنند اصلاً کی می تواند کوره را بگرداند. کارفرما الکی می گوید که من کوره را تعطیل می کنم آن وقت چطور خواهد توانست سالانه صاحب میلیون ها تومان باشد.

شورای منتخب کارگران کوره آجرپزی پاشائی  
۵۸/۴/۳

# قطعنامه کارگران کوره پزی پاشائی

ما کارگران کوره پزی از زحمتکش ترین محروم ترین کارگران هستیم. هر کس نگاهی به وضع زندگی ما بکند می بیند که کارفرماهای خونخوار چقدر شیره جان ما را می مکند قبل از طلوع آفتاب به کار مشغول می شویم و تا پاسی از شب عرق می ریزیم در مقابل این همه رنج و زحمت ما نمی توانیم شکم خود وزن و بچه های خود را سیر کنیم در حالی که سرمایه دار با فروش آجرهایی که با خون دست و عرق پشائی ما وزن و بچه های ما درست شده پول زیادی به جیب می زند هر کس نگاهی به وضع ما وزن و بچه ما و به وضع سرمایه دار و زن و بچه او بکند ظلمی را که به ما می شود خواهد فهمید. کارفرما نه تنها حق ما را می خورد بلکه با ما رفتار غیر انسانی هم می کند بچه های ما به جای این که در مدرسه درس بخوانند پایه پای ما در میان گل ولای و زیر آفتاب سوزان دست و پا می زنند و اغلب مریض می شوند حالا می بینیم بعد از فرار شاه جلا و وضع ما هیچ بهتر نشده است چون ما فکر می کردیم بعد از این همه خون ریخته شده کارگران و زحمتکشان زندگی ما بهتر خواهد شد و حداقل خواست های خود را بدست خواهیم آورد ولی حقیقت غیر از این بود ما هم برای بدست آوردن خواست های ابتدائی خود به این نتیجه رسیدیم که فقط از راه اتحاد تمام کارگران می توانیم این هدف را دنبال کنیم بنابراین با هم صحبت کردیم چون

- ۱- دستمزد هر هزار عدد آجر ۷۰۰ ریال
- ۲- تهیه آب آشامیدنی سالم برای هر خانواده
- ۳- بیمه شدن همه کارگران
- ۴- یک دستگاه ماشین برای رفت و آمد
- ۵- پرداخت دستمزد آجرهای باران زده قبلی
- ۶- ما کارگران رحمان کاکه رشی را به نمایندگی قبول نداریم و خواهان به رسمیت شناختن شورای کارگری فعلی هستیم.
- ۷- پرداخت دستمزد روزهایی که ما را بیکار کرده اند
- ۸- پرداخت پول بابت صاف کردن میدان های کوره
- ۹- فراهم آوردن امکانات بهداشتی از قبیل خانه، حمام، توالت و غیره.

شورای منتخب کارگران کوره پزخانه پاشائی  
۵۸/۳/۲۷

# اعتصاب موفقیت آمیز کارگران کوره پزخانه های مهاباد

کارگران کوره آجرپزی پاشائی واقع در ۳۰ کیلومتری جاده مهاباد - میان دو آب بدنبال طرح خواست های خود، از جمله افزایش دستمزد تا هزاری ۷۰۰ ریال از روز پنجشنبه ۵۸/۳/۲۴ دست به اعتصاب زدند. کارگران در جریان اعتصاب، برای پیشبرد هدف های خود نمایندگان شان را انتخاب نموده و در نتیجه یکپارچگی و اتحادشان توانستند پس از ۴ روز به برخی از خواست هایشان برسند. از جمله این که روی دستمزد هزاری ۶۰۰ ریال توافق حاصل شد. بدنبال این اعتصاب، کارگران کوره های آجرپزی رحیم آباد اول، رحیم آباد دوم (حسن آباد)، جعفرآباد و حقیقت، واقع در جاده

مهاباد - ارومیه نیز از تاریخ ۵۸/۳/۲۹ دست به اعتصاب زدند. این کارگران که شامل قالب دار، چرخ کش و کوره چین هستند، جلو دفتر رحیم خرازی صاحب کوره های رحیم آباد و حسن آباد جمع شده، خواستار رسیدگی فوری به خواست های خود شدند و در نتیجه اتحاد و یکپارچگی شان به حداقل خواست خود که افزایش دستمزد هایشان بود، رسیدند. نتیجتاً مزد آن ها در حدود ۲۵ درصد افزوده شد. کارگران این کوره های آجرپزی نیز در جریان اعتصاب خود به این نتیجه رسیدند که باید دارای نمایندگان واقعی خود باشند تا بتوانند مسائل و مشکلات خود را هر چه بهتر بررسی کرده و راه حل آن ها را بیابند.

جلسه سر دسته های  
قیاده موقت و فنودالها  
در اشنویه

رؤسای قیاده موقت از جمله ادریس بارزانی، از تاریخ ۵۸/۳/۲۸ در منزل عصمت خان زرزا (یکی از فنودال های با نفوذ منطقه) با گروهی از فنودال های منطقه تشکیل جلسه داده اند. علاوه بر فنودال ها یک روحانی که پیشمنز قریه سینگان می باشد و همچنین سید عزیز گیلانی زاده، در این جلسه شرکت کرده اند.

اگر شماها هم مثل ما متحد شوید می توانید به خواست های خود برسید. اگر شما هم شورا تشکیل بدهید مثل ما می توانید حرف های یکپارچه تر بگوئید. ولی باید یک مسئله خیلی مهم را همیشه در نظر داشته باشیم: شورا باید واقعاً از منافع کارگرها دفاع کند و کسانی باید در شورا انتخاب شوند که دستشان مثل دست ما، پایشان مثل پای ما و زندگی شان مثل زندگی ما باشد. شورای کارگران کوره آجرپزی پاشائی از تمام کارگران کوره های دیگر پشتیبانی می کند.

اگر شماها هم مثل ما متحد شوید می توانید به خواست های خود برسید. اگر شما هم شورا تشکیل بدهید مثل ما می توانید حرف های یکپارچه تر بگوئید. ولی باید یک مسئله خیلی مهم را همیشه در نظر داشته باشیم: شورا باید واقعاً از منافع کارگرها دفاع کند و کسانی باید در شورا انتخاب شوند که دستشان مثل دست ما، پایشان مثل پای ما و زندگی شان مثل زندگی ما باشد. شورای کارگران کوره آجرپزی پاشائی از تمام کارگران کوره های دیگر پشتیبانی می کند.

شورای منتخب کارگران کوره آجرپزی پاشائی  
۵۸/۴/۳

# هشدار به خلقه های ایران...

بقیه از صفحه ۱

و ادرا کنند تا آتش يك جنگ دامنه دار را در منطقه شعله ور سازند. جریانی هم که در درون پادگان می گذرد، این گمان را تقویت می کند. مثلاً در روز ۱۲ خرداد در داخل پادگان يك درگیری پیش می آید. گفته می شود ۴ نفر بقتل رسیده اند به دنبال این درگیری مشاهده شده که تعداد زیادی از افراد قیاده موقت مرتب وارد پادگان می شوند. و نیز عده ای از افسران گارد در پادگان دیده شده اند. به دنبال حادثه فوق پادگان بسوه که در ۱۰ کیلومتری پادگان جلدیان قرار گرفته، اعلام آماده باش نموده و تانک های خود را در اطراف پادگان مستقر می کند همان موقع به معلمین که درخود پادگان تدریس می کنند، گفته می شود که چون احتمال کودتا هست پادگان را ترک کنند.

۳- تجمع و تشکل فنودال ها و حمله آن ها به روستاها و دهقانان نیز روز بروز گسترده تر می شود. که نمونه آن حمله وسیع به روستای سوسان در این اواخر می باشد (۲۲ اردیبهشت). اما دهقانان به پیوجوه حاضر به بازگشت اربابان و برقراری رابطه ارباب و رعیتی نیستند و با تمام وجود خود چه بصورت متشکل و چه بصورت منفرد در مقابل ارباب ها مقاومت می کنند. و اکنون هم که فصل درو نزدیک است احتمال بروز درگیری مسلحانه بین فنودال ها و دهقانان، و گسترش آن در سطح منطقه بسیار زیاد است.

۴- اعضای شورای شهر که مردم در تظاهرات گسترده روز ۲۸ فروردین خود، انحلال آن را اعلام داشته، دست از اعمال قدرت برنداشته و همچنان در مقابل مردم قرار دارد. بطوری که اکنون شورای شهر خود به عنوان يك عامل تشنج را عمل می کند. ۵- مسلماً در چنین شرایط بحرانی که شهر دچار آن است، هر گونه نمایش یا مانور مسلحانه و قدرت نمایی غیرمستولانه می تواند موجبات بروز فاجعه دامنه داری را فراهم آورد. هم اکنون وجود سنگر های زیاد در اطراف شهر و اطراف پادگان، بتامی می توانند بهانه خوبی برای دخالت ارتش و کشتار مردم باشند.

این شرایط بحرانی چه وظیفه ای را در برابر نیروهای مترقی قرار می دهد؟ توده های مردم مین ما اکنون بخوبی به این حقیقت پی برده اند که بروز هر گونه درگیری در چنین اوضاعی، جنگ ناخواسته ای را به آنان تحمیل خواهد کرد. که از این جنگ هیچکس جز امیرالایسم و عمال مرتجع داخلی آن سود نخواهند برد. که این جنگ به زیان خلق های ما تمام خواهد شد. که این جنگ نه یک جنگ حق طلبانه مردم، بلکه جنگی خواهد بود که توطئه های دشمنان مردم آن را به خلق های ما تحمیل می کند. نیروهای مترقی باید با سرعت در جهت خنثی کردن این توطئه ها بکوشند. ما معتقدیم که باید با صراحت تمام مردم مینمان بویژه مردم منطقه را از آنچه که اتفاق می افتد آگاه کرد، حقایق را بدون پرده پوشی در معرض دید همگان قرارداد، و اقدامات توطئه گرانه مرتجعین و دشمنان مردم را بدون پرده پوشی افشاء کرد. اگر توده های مردم آگاه گردند اگر به دمی که بر سر راهشان گسترده می شود پی ببرند، آنگاه نقشه های توطئه گران را که می خواهند مردم را آلت دست خود سازند، نقش بر آب خواهند کرد. بدین گونه زمینه تشنج و نزاع به حداقل خواهد رسید. اگر مردم حقایق را بدانند، بدون شك از ارگان های مسئول و از مقامات و مراجع مصرانه خواهند خواست که قبل از بروز هر نوع فاجعه ای درصدد علاج آن برآیند. آن ها از دولت خواهند خواست که هر گونه سیاست سکوت و احياناً تأیید آمیز خود را در مقابل اقدامات توطئه گرانه و مرتجعانه کنار گذاشته و بمقابله با این اقدامات برخیزد.

«مرگ بر مرتجعین و نفاق افکنان»

### در حالی که سه نماینده بازداشتی در اعتصاب غذا هستند، سه نفتر انقلابی دیگر بازداشت شدند

در حالی که سه نماینده بازداشتی در اعتصاب غذا هستند، سه نفتر انقلابی دیگر بازداشت شدند. این سه نفتر از کمیته مرکزی حزب توده ایران هستند که به دلیل فعالیت‌های سیاسی در شهر تهران بازداشت شده‌اند. این افراد شامل آقایان ... می‌باشد.

در حالی که سه نماینده بازداشتی در اعتصاب غذا هستند، سه نفتر انقلابی دیگر بازداشت شدند. این سه نفتر از کمیته مرکزی حزب توده ایران هستند که به دلیل فعالیت‌های سیاسی در شهر تهران بازداشت شده‌اند. این افراد شامل آقایان ... می‌باشد.

### اخبار کوتاه کارگری

اهواز - کارگران سروگاه رامس که سن از ۷۰۰ نفر هستند و برای گرفتن مزایا و ترمیم حقوق که معادل ۷۰ درصد حقوق ماهانه است، چند بار دست به اعتصاب زدند. همچنان به مبارزه ادامه می‌دهند. شورای معیره کارگران تاکنون موفقی نداشته و برای آسودگی کندی اجزای را برای آسودگی کندی ...

آبشار - (نمس) کارگران شرکت راهسازی مهدی ایران که در حال حاضر در آسار - اردبیل کار می‌کنند در تاریخ ۲۲ خرداد ۵۸ برای کاهش ساعات کار و افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. این کارگران که سن از ۱۲ تا ۳۰ سال در روز ۳۰۰۰ ریال دستمزد می‌گرفتند. کارگران خواهان ۸ ساعت کار و افزایش دستمزد و مرخصی سالانه و رسیدگی به وضع معیشتی خود شده‌اند. آنها "مهندسین حسابرسی" کارفرمای شرکت را عامل استعمار خود می‌دانند.

تبریز - کارگران بیکار تبریز که در هر روز در محل دبیرستان ارم اجتماع می‌کنند، تصمیم گرفته‌اند برای مبارزه جاری با سرمایه داران و به دست آوردن کار، یک اتحادیه سرانگیزی کارگری در سطح استان تشکیل دهند. کارگران در خواست‌های خود اقدامات دولت را در بسیاری از زمینه‌ها دفاع از منافع سرمایه داران می‌دانند.

شیراز - روز سه شنبه ۲۹ خرداد ۵۸ در کارگران شرکت فراسوی آسوم که در سروگاه حراری کار می‌کنند در اداره نیروی انسانی تبریز اجتماع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند. کارفرمایان شرکت که فراسوی و زبانی هستند به کارگران پیشنهاد کرده‌اند که یکماه حقوق دریافت کنند و اگر شرکت خارج شود و بخواهند کارگران این پیشنهاد را نپذیرفند، کارگران را از کار اخراج می‌کنند و با اخراج داخلی آنها می‌دانند و بازگشت به کار و دریافت کلیه حقوق و مزایای عقب افتاده خود به مبارزه ادامه می‌دهند.

ارومیه - کارگران شرکت آجر ماسینی ارومیه به خاطر عدم رسیدگی مدیر عامل کارخانه به خواسته‌هایشان روز چهارشنبه ۶ خرداد در مقابل استانداردهای اجتماع کرده و قطعنامه‌ای در ۱۳ ماده صادر کردند. بازگشت کارگران اجزای به سرکار خود، پرداخت سود سهام سالانه ۷۵٪ حق ممکن، حق اولاد، اضافه کار و مزایای افزایش حقوق از جمله خواسته‌های کارگران است.

قائم شهر (شاهی سابق) - کارگران ساختمانی شماره ۱ شاهی در اعلامیه‌ای به نام "شکست کارخانه و مبارزه با سرمایه‌های مهندسین شهاب رئیس کارخانه و مبارزه با سرمایه‌های او نسبت به کارگران و کنگ رکن یک کارگر اشاره کرده و خواهان اجزای این عنصر ضد کارگر و تعقیب قانونی او شده‌اند.

زاهدان - ۳۰۰ تن از کارگران و رفتران شهرداری زاهدان به عنوان بانی بودن حقوقی روز دوشنبه چهارم تیر دست ارکار کردند و خواهان عملی شدن قول دولت در مورد دریافت حداقل حقوق ۲۵۰۰ تومان شدند. حقوق این کارگران سن ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان است.

### کارگران ذوب آهن:

#### از آبار تانهای فولاد شهر بیرون نمی‌رویم

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی فاساد در آبار تانهای فولاد شهر مستقر شده‌اند. ارجحیت مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آبار تانها تحت فشار قرار گرفته‌اند. این کارگران که قبلاً در اطاقهای محروم ۳۰۲ متری که در یک منطقه مسایمی به نام "نهالسان" واقع است سکونت داشته‌اند، حاضر به ترک آبار تانها نیستند.

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی فاساد در آبار تانهای فولاد شهر مستقر شده‌اند. ارجحیت مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آبار تانها تحت فشار قرار گرفته‌اند. این کارگران که قبلاً در اطاقهای محروم ۳۰۲ متری که در یک منطقه مسایمی به نام "نهالسان" واقع است سکونت داشته‌اند، حاضر به ترک آبار تانها نیستند.

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی فاساد در آبار تانهای فولاد شهر مستقر شده‌اند. ارجحیت مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آبار تانها تحت فشار قرار گرفته‌اند. این کارگران که قبلاً در اطاقهای محروم ۳۰۲ متری که در یک منطقه مسایمی به نام "نهالسان" واقع است سکونت داشته‌اند، حاضر به ترک آبار تانها نیستند.

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی فاساد در آبار تانهای فولاد شهر مستقر شده‌اند. ارجحیت مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آبار تانها تحت فشار قرار گرفته‌اند. این کارگران که قبلاً در اطاقهای محروم ۳۰۲ متری که در یک منطقه مسایمی به نام "نهالسان" واقع است سکونت داشته‌اند، حاضر به ترک آبار تانها نیستند.

### دفاع شورای چرمسازی تبریز از منافع کارگران

تبریز - شورای کارگران چرمسازی حرسوی که پس از پیروزی قیام با همبستگی و تشکل کارگران به وجود آمده به فعالیت‌های خود در جهت دفاع از منافع کارگران ادامه می‌دهد. شورای کارگران که پس از برکناری "اصغر آفرزاده" از نمایندگی کارگران و اخراج مدیر عامل و دو مهندس انگلیسی و هندی به افزایش حقوق کارگران به دو برابر حقوق سابق، تصمیم گرفت محصولات تولید شده را مستقیماً به بازار عرضه کند. اینک شورای کارگران با مشکلاتی روبرو است، اما با خاطر حمایت بیکار چرمکاران توانسته اقدامات ارزنده‌ای انجام دهد. گروهی از کارگران کارخانه چرمسازی حواسار برکناری "حاجیدان" رئیس کارخانه شده‌اند. وی ۱۵ میلیون ریال از اجناس کارخانه را برده و همچنین ۵۰۰ هزار ریال به کارگران بدهکار است. شورای کارگران چرمسازی برای رسیدگی به حسابهای کارخانه و وصول حقوق کارگران از رئیس کارخانه و وصول نماینده‌های رابه وزارت کار فرستاده است.

### تشکیل سندیکای کارگران در زاهدان

زاهدان - کارگران عملیات مالح استان (شرکت خلوقری از حرکت سپه‌ای روان) پس از مبارزات طولانی موفق شدند سندیکای خود را تشکیل دهند و در تاریخ ۲۴ خرداد ۷ عضو هیئت مدیره سندیکار انتخاب کنند. کارگران که سن از ۸۰۰ نفر هستند پس از تشکیل سندیکا نخستین خواسته‌های خود را به شرح زیر اعلام کردند. ۱- پرداخت ماهانه ۷۵۰۰ ریال حق مسکن که از تاریخ ۱/۷/۵۷ پرداخت شده است. ۲- پرداخت ۲۵۰۰۰ ریال عیدی سال ۵۸ که به کلیه کارمندان پرداخت شده است. ۳- رسیدگی به حسابها و اسناد و مدارک هر سه‌ماه‌ای سال گذشته و وصول استفاده‌های "شاهی" و "مهندسین" (رئیس و کارپردازان اداره سرچنگلدار) (سیان). ۴- صفا کارگران حواسار عدم دخالت اداره سرچنگلدار در استان در امورشان هستند.

### اعتصاب کارگران کوره‌پز خانه‌های گنبد

گنبد - کارگران کوره پزخانه‌های آجر فزاری طباطبائی، شفاهی، سعادت و حاجی آخوند زاده که در شرایط بسیار سخت و غیرعادی کوره‌ها را کار می‌کنند متعول هستند در یک قطعنامه ۹ ماده‌ای خواسته‌های خود را مطرح کردند و اعلام داشتند تا رسیدن به این خواسته‌ها اعتصاب ادامه می‌دهند. افزایش حقوق کارگران در قسمتهای مختلف کوره، پرداخت حق خوارسار مسکن، حق اولاد و سود ویژه و پاداش و پرداخت حقوق ایام بیکاری در زمان اعتصاب از جمله خواسته‌های کارگران کوره پزخانه‌های گنبد است.

### تحصن کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی

کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی برای رسیدن به خواسته‌هایشان از تاریخ سی ام خرداد دست به تحصن نامحدود زده‌اند. خواسته‌های متحصنین به قرار زیر است: ۱- برکناری سرپرست موقت این سازمان به علل زیر: الف - داشتن سابق نامطلوب در گذشته. ب- اتخاذ تصمیماتی برخلاف اهداف انقلاب از قسمل اجزای افراد آزمایشی و قراردادی، قطع غیرقانونی حقوق و مزایای پانزده تن از همکاران، زدن نهمت ضد انقلاب به کارکنان صدیقی سازمان. ج- عدم رسیدگی به سو استفاده افراد وابسته به رژیم و دستبرد به اسناد و مدارک مربوطه سو استفاده. ۲- تعیین یک مدیر تصفیه صلاحیت به منظور رسیدگی به پرونده‌های افراد فاسدسو استفاده جوهره‌چینی ادغام کارکنان سازمان مرکزی در تشکیلاتی که در ارتخاه‌های سپه‌داری و سپهرستی آموزش و پرورش و اسناد ملی واگذار شده و با خواسته‌های براساس طرح ارائه شده از جانب اتحادیه کارکنان.

### اجتماع تاکسی رانان رایز هم زدند

تهران - تاکسی رانان تهران روز جمعه ۸ تیرماه برای انتخاب نمایندگان خود در سال ورزشی کارگران اجتماع کردند. هدف این اجتماع گنبد در آن صدها تاکسی ران شرکت داشتند. انتخاب نمایندگان واقعی تاکسی رانان و اعلام باطل بودن انتخابات قبلی بود که در آن افراد مشکوک رابه عنوان نمایندگان تاکسی رانان معرفی کرده بودند. هنگامی که کاندیداهای حواسار خود را معرفی کردند گروهی به مان جمعیت آمدند و با حار و تحال انتخابات رایز هم زدند. تاکسی رانان اعلام کردند نمایندگان فعلی را به رسمیت نمی‌شناسند و برای انتخاب نمایندگان واقعی خود رایز هم اجتماع می‌کنند.

### کارگران در سایه همبستگی و تشکل به حقوق خود

#### ۷۰ درصد افزونند

رشت - کارگران شرکت تولیدی کس "بیا" که بیش از ۱۳۰ نفر هستند سر همبستگی و تشکل موفق شدند قسمتی از خواسته‌های خود را به مرحله اجراء آورند. این کارگران که تا یک ماه پیش روزی ۲۱ تومان مزد می‌گرفتند توانستند دستمزد خود را به ۳۱ تومان افزایش دهند و مابه التفاوت دستمزد را از ۱۴ ماه پس دریافت کنند. به دنبال افزایش دستمزد، کارفرما نرخ اجناس شرکت را باالای برد و کارگران که نسبت به این موضوع اعتراض داشته‌اند مانع خروج کالا از کارخانه می‌شوند. پس از مذاکرات کارفرما با مسئولان کمیته امام و اداره کار رشت، موافقت می‌شود دستمزد کارگران به ۳۵ تومان افزایش یابد. کارگران خواهان دریافت مابه التفاوت دستمزد از چهارده ماه پیش به بعد می‌شوند و کارفرما مقاومت می‌کند. روز ۳۱ خرداد کارگران در محل کارخانه اجتماع می‌کنند و مانع خروج کارفرما می‌شوند. همبستگی و یافشاری کارگران در انجام خواسته‌های خود مجرب پرداخت مابه التفاوت افزایش حقوق از هفت ماه پیش می‌شود. همچنین کارگران موفق می‌شوند محیط کارخانه را بهداشتی کنند و کارفرما را مجبور به احداث کانتینر "غذائوری" و سایر وسایل مورد نیاز کارگران کنند. کارساختن شرکت تعاونی شروع شده است. سهام شرکت تولیدی کس کش بسا متعلق به برادران عمید حوضور (۴۹ درصد) بانک صنایع و معادن (۲۶٪) و شرکت کانادایی باتا (۲۵٪) است.

### در اثر مبارزات پیگیر کارگران، شورای مشترک کارخانجات کبریت سازی تبریز ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه‌ها را تصویب کرد

تبریز - شورای مشترک کارخانجات کبریت سازی تبریز و صدقانی در یک مصمم مشترک اعلام کردند: "کارگران ۴۰ ساعت در هفته کار میکنند و پنجشنبه‌ها کارخانه تعطیل خواهد بود. همچنین شورای مشترک مرخصی سالانه را از ۱۲ روزه یکماه افزایش داد. مصمم شورای مشترک به دنبال مبارزات پیگیر کارگران کارخانه‌های کبریت سازی تبریز اتخاذ شد و در یک قطعنامه به تصویب رسید. استندای نمایندگان شورای کارخانه کبریت سازی در مقابل شورای مشترک کارخانجات کبریت سازی تبریز و صدقانی رفتند. ولی چون از ورود آنها به محل کارخانه جلوگیری شد، نمایندگان این کارخانه به محل کبریت سازی توکلی آمدند و در یک جلسه مشترک قطعنامه‌ها را تصویب کردند. تصویر این قطعنامه مشترک با تأیید کامل کارگران روبرو شد و رونوشت آن جهت اطلاع برای مسئولان این کارخانه ها ارسال شد. کارگران کارخانجات کبریت سازی که مبارزات پیگیری علیه استعمارگران و عوامل آنها داشتند ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه‌ها و افزایش مرخصی سالانه به یکماه را حق طبیعی خود می‌دانند و اعلام داشتند برای گسترش این حقوق به سایر کارخانجات، بستیان سایر کارگران خواهند بود.

### پایان تحصن ۸۵ روزه کارگران پارک پارس

تهران - کارگران مبارز پارک پارس که از ۸۵ روز پیش در محل این شرکت متحصن بودند پس از مذاکراتی که با نمایندگان دادستانی، وزارت کار و کارفرما داشتند، موافقت نمودند خود پایان دادند. براساس این مذاکرات قرار شد کلیه حقوق کارگران تا ۲۵ تیرماه حقوق خود ارائه دهند.

تهران - کارگران مبارز پارک پارس که از ۸۵ روز پیش در محل این شرکت متحصن بودند پس از مذاکراتی که با نمایندگان دادستانی، وزارت کار و کارفرما داشتند، موافقت نمودند خود پایان دادند. براساس این مذاکرات قرار شد کلیه حقوق کارگران تا ۲۵ تیرماه حقوق خود ارائه دهند.

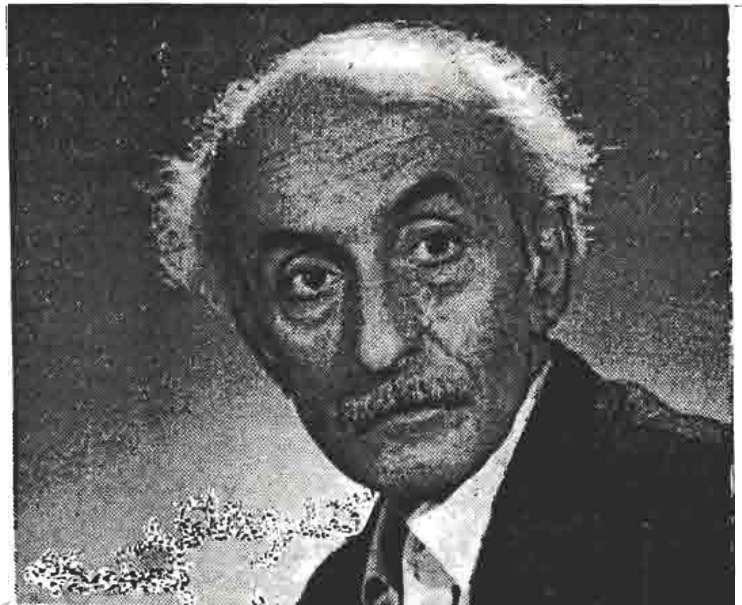
# فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم



# انقلاب نیما در شعر

زندگی نیما در چند سطر

۱۲۷۴. تولد نیما در روستای بوش (مازندران)  
کودکیش در میان شیخان و ایلخانیان با نان با زندگی کوچ نشینی گذشت. خواندن و نوشتن را با چوب و فلک نزد آخوندروستا موخت. بعد در مدرسه سن لوئیس تهران به تحصیل پرداخت و زبان فرانسه را به خوبی فراگرفت.  
۱۲۹۹. سرودن شعر را آغاز کرد (نخستین شعرش: قصه رنگ پریده).  
۱۳۰۱. قطعه "ای شب" و بعد "شعر معروف" "افسانه" را سرود.  
۱۳۱۷. عضو هیئت تحریریه مجله "دوستی" شد و از آن پس اشعار خود را منتشر کرد.  
۱۳۳۸. درگذشت نیما.



در شماره پیش گفتیم که شعر شاعران پیش از مشروطه مدت، هابود که دیگر از خون زندگی تپتی شده بود. این سالاران عموماً در آفاقهای ذهنی خود با مقوله‌ها و مفاهیمی که دیگر به صورت قراردادی، کلیشه‌ای و تکراری درآمد بود محصور شده بودند. و بی‌گفتیم که بدینسان تحول در شعر معاصر، بکاره بردن و بدون مقدمات قبلی صورت نگرفت، بلکه گسستی بزرگ، سری علل گوناگون داخلی و خارجی بود (مانند انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و انقلاب مشروطیت). ورود اندیشه‌های نو به ایران، انتشار روزنامه‌ها و مجلات و کتاب، مبارزات ضد استعماری مردم و...  
گرایش‌های تازه در شعر که همزمان با آغاز انقلاب مشروطه پدید آمده بود، در طول انقلاب مشروطه منجر به بروز شعر روزنامه‌ای شد که با واقعیت‌تنه‌ها برخوردی سطحی داشت و بی‌علاقه، هنوز شکل و قالب کهن خود را حفظ کرده بود. این گرایش‌های تازه سرانجام در حوالی کودتای ۱۲۹۹ و اندکی پس از آن موفق شد که با ترکاندن پوسته کلام کهن و بروز برگردن محتوای آن، به بیگانه‌انقلاب ادبی منجر شود. کار نیما در شعر، یک انقلاب بود، بویا کار شاعران دوران مشروطه که نتواند خواه اصلاح طلب بودند. تفاوت داشت. در شرایط انقلابی، کسانی پیدامی شوند که ضمن آموختن قوانین انقلاب، به آن می‌آموزانند. یعنی بر آن تأثیری گذارند و به آن جهت درست می‌بخشند. نیما نیز در زمینه شعر توانست شرایط را به درستی درک کند. از آن بیاموزد، بر آن تأثیر بگذارد و شعر نو را بنیان گذارد.  
الته، همزمان با کار تازه نیما (و نیز در کنار بقایای شعر کهن و شعر روزنامه‌ای دوران مشروطه) کسانی هم پدید آمدند که جریان‌های تصنعی و انحرافی در شعر به راه انداختند. اما کار آنها نه یک، حرکت تازه ادبی، بلکه کوشش‌هایی سطحی و ناپایگیر بود.

انسان تمام معیارها و موازین ادبی گذشته را نمی‌می‌کردند بدون آنکه چیز درستی داشته باشند که به جای آن بگذارند. (تحد و طلبی آنان در شعرمانند کار کسانی بود که در همان دوره فکری کردند با پوشیدن کلاه و لباس فرنگی و بستن فکل و کراوات می‌توان متجدد و متقدم شد.)

کار نیما، تنها تعبیر شکل ظاهری شعرو کونا و بلند کردن مصراع‌های آن نبود بلکه بی‌بردن به دیالکتیک طریف شعر یا پیوند متقابل میان محتوی و قالب (شکل) بود. در این زمینه نیما را که معمولاً بشیرین تر از دوران خود تلقی می‌شود، می‌توان آیشاهنگ در انقلاب مقاسه کرد. این از روی نغتن نیست که نیما شکل و قالب شعر قدیم را تغییر می‌دهد، بلکه دقیقاً بخاطر ضرورت‌هایی است که محتوای جدید شعر مطرح می‌کند. برای تصحیح همین برداشت نادرست است که نیما خود در نخستین کنگره نویسندگان ایران (سال ۱۳۲۵) در رابطه با شکل و قالب شعر می‌گوید:  
در اشعار آزاد من، وزن و قافیه به حساب دیگر گرفته می‌شوند. کونا و بلند شدن مصراع‌ها در آنها بنا بر هوس و فانتزی نیست. من برای بی نظمی هم به نظمی اعتقاد دارم. هر کلمه من از روی قاعده دقیق به کلمه دیگری چسبید. شعر آزاد سرودن برای من دشوارتر از غیر آنست.  
خصوصیات شعر نیما، که در واقع خصوصیات شعر نو هستند، همگی محصول پیوند متقابل میان شکل و محتوی بوده و در رابطه با آن قرار دارند.

### رابطه مستقیم و نزدیک با واقعیت

نیما با آشپز و پدیده‌ها به‌طور مستقیم و عمیق برخورد می‌کند. در واقع همین برخورد مستقیم با واقعیت که بنابه ضرورت شرایط و تحولات جامعه بود، به تعبیر شکل و محتوای شعر به‌طور بنه‌هنگ منجر شد.  
نیما در زمینه برخورد با واقعیت می‌گوید:  
"هنرمند از دنیایی می‌گیرد و به دنیایی باز می‌دهد. او با کجا سر و کار دارد؟ مربوط به کدام زمان و مکانی است که باید در اثرش مجسم و منعکس شود؟ ... آیا رابطه لازم رابین خود و خوانندگان شعرش ایجاد کرده است؟ (این نقل قول اندکی ساده شده است.)"

شاعران مشروطه، و ادامه دهندگان راهشان، از فقر و سستی و رنج جامعه خود خود بسیار سخن گفته‌اند. اما اغلب کلی و سطحی. آنان چون برخورد مستقیم و عمیقی با پدیده‌ها نداشتند، نمی‌توانستند بیش از این جلوروند. نیما این کار را به‌انتمام رساند و از سطح عمیق رفت. او به تصویر کردن و نشان دادن عمق و علل فقر و سستی و رنج جامعه خود پرداخت.

## سخنی درباره شعر (۴)

### انقلاب

### شهیدان

ایران اکنون گلی خونین است  
رسته به خون هر مرد  
سوخته در سرشک هر زن.  
ایران اینک  
در آفتاب خون  
سرباز سرخپوشی است  
دروغیت آتش!  
ایران اینک  
در آفتاب خون تو  
سنگر گرفته است.

ای بار  
- ای دلار!  
همدوش انقلاب  
بر خاستی

در قلب ملتی که سراپای پرجم است:  
یک پرجم حماسی و خونین  
در قله غرور.

\*\*\*

ما را بگو شهید  
آغوش انقلاب چه عطری دارد؟

\*\*\*

این چیست، چیست  
این روزن گشوده به رنگین گمان رزم  
این گل مشتعل که تلاقی بادهاست  
در محوره محاق.

این سایه حماسی  
در تنبیه هر سپیده  
این هیبت اساطیری چیست  
این چیست

اگر ره شهیدان نیست؟  
در نبضی پر تلاوت خون  
در آیه بلند سخن  
این سرخ  
- این هویت خونین

این سایه حماسی چیست  
در تنبیه هر سپیده؟

ما را بگو شهید  
آغوش انقلاب چه عطری دارد؟

\*\*\*

چنان حماسه تو خواندی  
که زخمهای همیشه این دیار  
هریک شده ستاره سرخی.

\*\*\*

بخوان همیشه بخوان  
کاواز تو، شناسنامه خلق است  
واژتوان تو  
صد زنیق ضرورت  
خواهد شکفت

(شهرام الف. - آبادان)

در این چند شماره قصد مایسین بوده است که مسائل مختلفی را درباره شعر بطور هماهنگ مطرح کنیم و ضمن طرح و بررسی برخی از شعرهایی که رفا برای روزنامه فرستاده‌اند، اصول و قواعدی را که باید در سرودن شعر رعایت کرد، یاد آوری کنیم. ما این بحث را در هفته آینده ضمن بررسی کلمه در شعر به پایان خواهیم برد و تعدادی از شعرهای برگزیده را چاپ خواهیم کرد. البته ممکن است تصور شود که طرح این گونه مباحث، بیشتر برای شاعران مفید است. با این همه ما معتقدیم که این بررسی‌ها برای دوستداران شعر نیز سودمند است و آنان را در جهت شناخت شعر و انتخاب شعر خوب می‌تواند یاری کند.

شعری که این هفته انتخاب کرده ایم از رفیق شهرام الف. آبادان است و همچنان که می‌بینید شعری است زنده و پرتحرک و پر شور. همانگونه که انقلاب چنین است. خواننده همراه با احساس و تخیل نیرومند شاعر با نقش و کارکرد شهید آشنا می‌شود. تازگی سخن و تصویرهای گویا و پر خون، خلقی را مجسم می‌کند که سراپای پرجم و حماسه است و می‌داند که پیروزی از آن اوست و نزدیک است.

اما باز طبق معمول مافقط قسمتی از شعر این رفیق را انتخاب کرده‌ایم و شعر اصلی چند برابر این قسمت است. منتهی این بار در رابطه با مسئله‌ای دیگر بحث می‌کنیم. از این شعر را حذف کرده‌ایم، همان مسئله‌ای که موضوع بحث این هفته است. یعنی وحدت و هماهنگی در شعر. که در شماره پیش نیز اشاره‌ای به آن کردیم.

وقتی کسی تفکر معینی دارد، به هر چه می‌نگرد و با هر چه برخورد می‌کند و از هر چه سخن می‌گوید، این تفکر در همه آنها دخالت دارد. و سبب می‌شود که پدیده‌ها و اشیا، و آدمی‌ها از هم منقطع و مواضع واحد طرح و ارائه کند. روابط جمله‌ها و الفاظ و تصویرهای یک شعر اگر تابع این اصل نباشند، حاصل کار به پراکنده‌گویی و ناهماهنگی دچار می‌شود.

الته برخی ناهماهنگی‌ها خیلی آسان و زود آشکار می‌شود و خواننده به سادگی می‌تواند بلافاصله یا با اندکی تأمل آن را تشخیص می‌دهد. مثلاً وقتی از شب سخن می‌گوئیم و با تصویر آرایش می‌کنیم، اگر حرفی با تصویر از خورشید بدان راه یابد، به آسانی قابل درک است اما برخی ناهماهنگی‌ها چنین نیستند و تأمل و دقت بیشتری لازم است تا در یافته شود. مثلاً در همین شعر "انقلاب شهیدان" شاعر آنچنان شهید را بزرگ می‌کند که می‌گوید "ایران در آفتاب خون او سگر گرفته است". این به خواننده نیرو و تحرک و امید می‌بخشد اما بعد یکباره می‌گوید:

مگر نمی‌دانستی  
که مشت‌های تو  
گلی است در گذرگاه توفان

پیدا است که مشت شهید با انقلابی آنچنان عزیز هست که به گل تشبیه شود.

در یکی از شعرهای کتاب ماخ اولاً می‌خوانیم:  
باد می‌گردد در باز و چراغ ست خموش  
خانه‌ها بیکسره خالی شده در دهکده‌اند.  
رهسپاری که به پل داشت گذر، می‌استد  
زنی از چشم، سرشک  
مردی از روی جبین، می‌سترد.

تصویری است نیرومند، دردناک و غم‌انگیز از یک روستای ویران. تصویری که در آن فقر و توربختی را می‌توان لمس کرد. و اگر سؤال شود "اینها همه برای چیست، چرا چنین است؟" نیما خود در همین شعر پاسخ می‌دهد:  
پای تاسر شگمان، تاشبستان

شاد و آسان گذرد ...  
بی تردید این نگرش، این تصویر نیرومند فقر و توربختی، این عادلانه‌نابرابری که یک سوی آن خانه‌های خالی، چراغ‌های خاموش، دیوارهای دود آلود ناله محرومان و تشنج بیماران و اشک و خون جبین و کار و زحمت است، و سوی دیگر آن دنیای شاد و شوب‌های پرتلاش "پای تاسر شگمان"، چیزی است که در شعرهای شاعران پیش از نیما هرگز نظیرش پیدا نمی‌شود. و چقدر این بینش عمیق اجتماعی در درک عمیق از فقر و بدبختی و علل آن، با بینش سطحی شاعران مشروطه تغا و ت دارد. مثلاً با بینش ابرج میرزا که حتی وقتی به یاد فقر و زحمتکشانی می‌افتد بهترین چیزی که به نظرش می‌رسد این است که به کار فرما توصیه کند با غرور و نخوت به کارگر نگاه نکند چرا که "زمن زور و ز توزر، این به آن در!"

او اصولاً با دردهای زحمتکشانی آشنا نیست و تصویری کند بزرگترین بدبختی آنها این است که رفتار کارفرما، غرورشان را جریحه دار می‌کند.

### بیان تصویری

ماهریک از شعرهای نیما را که انتخاب کنیم، همگی خصوصیات شعر سرارور را می‌توانیم بطور برجسته در آن ببینیم، چرا که این خصوصیات در شعر نیما با یکدیگر پیوند ناگسستی دارند. در نمونه‌های قبلی نیز نگاه‌ها را اشعار او نقل کردیم، اگر دقت بقیه در صفحه ۵

امادراین عبارت این مشت‌گلی است که در گذرگاه توفان و بیست‌بربر بردن وارس رفتن آن راه خواننده الفاء می‌کند. وضع آن را در برابر نیروی کوبنده و مرگ آور توفان نشان می‌دهد و بدین طریق خواننده را دچار آسودگی و ساس می‌کند.

شاعر در تمام شعرهای حلقی و ملتس چنان سخن گفته که خواننده انتظار دارد اگر تصویر توفان هم مطرح می‌شود همان نیروی خلقی باشد. در حالیکه در این تصویر برعکس نیروی دشمن است توفان تشبیه شده است.

البته ممکن است که این تصویر به تنهایی نقیصی نداشته باشد. اما بحث بر سر اینست که تصویرهای یک شعر چقدر به کلیت و وحدت شعر یاری می‌کنند. اگر تمام شعر به قصد نشان دادن دروغ و اندوه شاعر در سوگ فقدان شهیدان سروده شده بود، این تصویر سبب می‌نوانست به کلیت مورد نظر شاعر کمک کند.

و باز در جای دیگر در حالی که شاعر با اشتیاق و شور طلب می‌کند که:

ما را بگو شهید  
آغوش انقلاب چه عطری دارد؟

معلوم نیست چگونه می‌تواند چندان سطر بعد چنین سخنی را طرح کند. دریای سبز عمان، اما درمشت من که نیست تا عطش عظیم بیکار را با سیلوار فریاد

فرو بینانم.  
آنها به ویژه با این لحن که آن اصطلاح معروف، راه یابد می‌آورد که "آخر من روی گنج‌قارون که نیستام". با اینکه روشن است که می‌خواهد آسوس و دروغ خود را از ناتوانی در همراهی با شهید بیان کند، اما لحنی به کسار برده است که بیشتر جنبه معترمانه و متضاد با شور و شوق نخستین او دارد.

در مقالات گذشته توجه داریم که وجود ناهماهنگی در شعر بدیم، بیشتر به علت رعایت قواعد دست‌وپاگیر و محدود کننده‌ای نظیر "قافیه" بود و قافیه بود که ذهن شاعر را به هر سو که می‌خواست هدایت می‌کرد و در نتیجه او را دچار تناقض گویی می‌ساخت. اما در شعر جدید این پراکنده‌گویی و ناهماهنگی اغلب به سبب فعالیت آزاد ذهن شاعر ممکن است ایجاد شود. یعنی وقتی شاعر ذهن خود را آزاد بگذارد و تفکر و تخیلش تابع نظم شعری نباشد، شعر او نیز از انضباط و نظم لازم برخوردار نخواهد بود.

رعایت این اصل هماهنگی، به ویژه برای شاعرانی ضروریست که مثل رسمی شهرام الف. "دارای ذهنی نو حو و تخیلی قوی هستند و هر لحظه قادرند تصویرهای تازه‌ای برای ارائه مسائل خود بیابند.

کار شاعر در واقع کنترل و تنظیم بخشیدن به احساس و اندیشه است. تانه چیزی که برای تکمیل شعر لازم است فراموش شود و نه چیزی که به کلیت شعر لطمه می‌زند بدان راه یابد. و اگر نتوانیم این نظم بخشیدن را رعایت کنیم مثل آنست که مثلاً تسبیح داشته باشیم اما بند نداشته باشد. چنین چیزی در واقع یک تسبیح نیست. منتهی مهربان‌های پراکنده است.

**هموطنان مبارز**  
پیشنهادات و نظریات  
انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال  
نمائید:  
تهران - بلوار کشاورز  
خیابان دهکده (میکده سابق) ستاد  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.  
تلفن ۶۵۹۹۹۹  
آدرس بانکی - تهران بانک ملی  
ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب  
۳۲۰۹۸  
بنام عباس فضیلت کلام  
از کلیه هموطنان مبارز  
خواهشمندیم فیش بانکی کمکهای  
مالی خود را که به بانک واریز شده  
است مستقیماً برای ستاد ارسال  
دارند.